



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۱۷



محمد داؤد مومند

## بزرگ نشی سردار

### در برابر پیشنهاد اعدام ایادی کرملن



دانشمند محترم داکتر صاحب سید عبدالله کاظم در قسمت هفتم سلسله مضمون دنباله دارش تحت عنوان "شهر کابل" و رویداد های مهم، از قول داکتر رحیم نوین می نویسد:

«در لحظاتی که غرش جت های جنگی و صدای فیر توپ های کمونیست ها در فضای کابل می پیچید، در حضور رهبر و برادرش محمد نعیم خان نشسته بودیم و در باره اوضاع جاری مذاکره و تبادل نظر داشتیم.

قدیر وزیر داخله اصرار می کرد که باید سران زندانی کمونیست ها طی محاکمه صحرایی فوراً اعدام شوند، زیرا اوضاع به جاهای خطرناک رسیده است، اگر آن ها نجات یابند، فجایع غیر قابل تصور به وقوع می پیوندد و نجات از آن ناممکن خواهد بود.

اما سردار با عصبانیت فرمود:

«چنین تصمیم عجولانه و غیر مسؤولانه، ما را نه تنها در برابر مردم افغانستان، بلکه در مقابل جهانیان جنایتکار می نمایاند، از سوی دیگر از چند نفر وطن فروش و نوکر بیگانه، شخصیت های بزرگ سیاسی می سازد.» نکات ذیل در جواب سردار به قدیر وزیر داخله قابل مکت و تأمل می باشد.

■ یک: عصبانیت سردار در یک مجلسی که اعضای کابینه و نوات ارشد حکومتی در یک حالت بسیار حساس

که صدای فیر تانک های کمونیست ها به گوش می رسید و بقاء دولت جمهوری نام نهادش را معروض به اضمحلال ساخته بود، در برابر پیشنهاد وزیر داخله اش، نمایانگر کرکتر خود خواهانه و در حقیقت خود را مافوق دیگران شمردن است، زعمای سیاسی که خود را مافوق دیگران می دانند به همچو مرض مزمن خود خواهی و خود پرستی مبتلا می باشند، مبین طرز برخورد و کرکتر دیکتاتورانه شان تلقی می گردد.

■ دو: سردار در همچو یک فرصت حساس که نابودی و اضمحلال رژیم خود را به چشم سر می بیند اتخاذ همچو یک تصمیم را نه تنها عجولانه بلکه « غیر مسؤولانه» در برابر مردم افغانستان بلکه در برابر جهانیان تلقی می کند.

در حالیکه شعار معروف سردار بود که می گفت « تصمیم شرط اول مؤفقت است » ولی سردار در همچو حالت اضطراری نه تنها قادر به گرفتن تصمیم اعدام بی خدایان نبود بلکه آن را در برابر مردم افغانستان یک عمل غیر مسؤولانه تصور می کرد، در حالیکه مردم مسلمان و متدین افغانستان از کمونیست ها نفرت داشتند.

■ سه: بی خدایان پرچی و خلقی به جز در قشر مکتبی، در میان جامعه و عوام الناس کشور نه کدام وجاهتی داشتند و نه نفوذی.

به خاطر دارم که حدود پنجاه سال قبل "شهید عبدالصمد خان اچکزی" به کابل آمده بود در یک مجلسی که ببرک و اناهیتا هم حاضر بودند، شهید صمد خان اچکزی از ببرک در مورد مبارزه و نفوذش در اطراف و میان مردم عوام سؤال نمود.

ببرک در جواب صمد خان اچکزی گفت که: «ما از ترس ملاحی که ریش بزرگ دارد به قریه ها رفته نمی توانیم». پس ترس داؤد خان از اعدام مزدوران کرملن که خودش ایشان را نوکر بیگانه و وطن فروش می داند در حقیقت ترس از شوروی بود نه انعکاس احتمالی مردم افغانستان و کشور های جهان.

جنرال ضیاء الحق ملعون که تصمیم کشتن یگانه زعیم منتخب در تاریخ پاکستان یعنی "ذوالفقار علی بوتو" را داشت، زعیم کشور رقیبش یعنی اندیرا گاندی جهانیان را اخطار داد که « جان بوتو در خطر است» و هم آیت الله خمینی یکی از پرنفوذ ترین شخصیت های روحانی تاریخ ایران، از دولت پاکستان تقاضای عفو بوتو را نمود، ولی جنرال ضیاء الحق ملعون، ذوالفقار علی بوتو را اعدام نمود و جهانیان در زمینه گوش خود را به کری انداختند.

■ چهار: سردار از یک طرف ایادی شوروی را وطن فروش و نوکر بیگانه می داند و از طرف دیگر ترس دارد که مبادا در آینده از ایشان شخصیت های بزرگ سیاسی بسازند، آیا در کدام ادوار تاریخ مردم افغانستان عناصر وطن فروش و نوکر بیگانه، مانند رهبران بی خدا و ملحد و وابسته به شوروی را به حیث شخصیت های سیاسی و ملی خود قبول کرده اند؟

■ پنج: سردار به اتهام کودتا در دوره جمهوریت کذایی خود که به قول استاد کاظم در نتیجه سازش تاکتیکی با مزدوران کرملن به قدرت رسید، یک عده شخصیت های بزرگ ملی و اسلامی، به شمول مفکر بزرگ ملی، "شهید محمد هاشم میوندوال" را که از رجال کم نظیر سیاسی، علمی، اجتماعی و ادبی منطقه و جهان اسلام بود به شهادت رسانید و از لعن تاریخ چه در ساحه ملی و چه در ساحه جهانی نهراسید ولی در یک حالت اضطراری که سؤال بقا و ذوال رژیمش مطرح بود، از اعدام مزدوران بی خدای کرملن ترس و واهمه داشت.

نا گفته نماند که حامیان طرز تخیل حزب «انفلاق ملی» و وب سایت افغان جرمن متکی به روش تبغیضی خود و بر خلاف دهل و سرنای متعهد بودن به دیالوگ نظرات مختلفه، این نوشته را ویتو و سانسور نمود. ۲۰۱۷/۶/۹

پایان

